نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۹۷
سال بیست و نهم، بهار ۱۴۰۰، صفحه ۲۶۲ - ۲۲۷

نوآوری‌های نهادی کنترل کننده تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در ایران

محمد دهقان منشادی
دکتری اقتصاد دانشگاه شیراز و معاون اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان یزد
mohammadmanshadi@gmail.com

هر چند در مطالعات موجود اثر تکانه‌های نفتی بر تخریب کیفیت نهادی ایران مورد پذیرش قرار گرفته، ولی کمتر مطالعه‌ای در حوزه سیاست‌گذاری با تأکید بر کنترل تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در دسترس می‌باشد. از این رو این مقاله با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و مرور ادبیات به تنظیم، تجمیع و ارزیابی نتایج مطالعات دیگر در این حوزه پرداخته و نوآوری‌های نهادی کنترل‌کننده تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در ایران را شناسایی و معرفی نموده است. در این راستا اصول مربوط به ثبات اقتصاد کلان، مدیریت ریسک، حکمرانی خوب و انضباط مالی مورد توجه قرار گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که پیاده‌سازی قواعد مالی مشخص و استقلال بانک مرکزی در کنار اصلاح ساختار بودجه در جهت کاهش وابستگی مستقیم به درآمدهای نفتی از طریق اصلاح نظام مالیاتی، توسعه بازار بدهی، مولدسازی دارایی‌های دولت، توسعه مشارکت بخش عمومی – بخش خصوصی، اصلاح ساختار صندوق توسعه ملی، استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی، اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها و ساختار صندوق‌های بازنشستگی و شفاف‌سازی مخارج دولت، مهمترین نوآوری‌های نهادی لازم برای کنترل تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در ایران می‌باشند. لذا پیشنهاد می‌گردد اجرای این اصلاحات نهادی به صورت جدی مورد پیگیری قرار گیرد.

طبقه‌بندی JEL: E61, H11, H61, P48
واژگان کلیدی: کیفیت نهادی، تکانه‌های نفتی، تخریب نهادی، نوآوری نهادی، ساختار بودجه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹ / ۷ / ۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰ / ۲ / ۱۳

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

۱. مقدمه

در اقتصاد ایران، درآمدهای نفتی از جایگاه قابل توجهی برخوردار است به نحوی که براساس محاسبات صورت گرفته با استفاده از داده‌های اقتصاد ایران در دوره ۱۳۹۶-۱۳۳۸ به طور متوسط نزدیک به ۵۰ درصد از درآمدهای دولت در قوانین بودجه سنواتی، ۸۰ درصد از صادرات کشور و بیش از ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی، از محل درآمدهای نفتی تأمین شده است.

بررسی سوابق تاریخی در مورد ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم دسترسی به درآمدهای نفتی و امکان تأمین سرمایه فیزیکی مورد نیاز، عملکرد اکثر این کشورها در رشد و توسعه اقتصادی بهتر از سوابق کشورهای فاقد منابع طبیعی نبوده است. به همین دلیل اخیرا بخشی از مطالعات اقتصادی به بررسی دلایل این امر پرداخته‌اند که مباحث مربوط به نقش کیفیت نهادی در اقتصاد را نیز شامل می‌شود (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۹). بر این اساس یکی از ساز و کارهای اصلی اثرگذاری نفت بر شکست رشد اقتصادی بالا و پایدار در کشورهای نفتی، از طریق تخریب نهادهای رشدمدار و ایجاد نهادهای ضد رشد و توسعه، به دلیل وابستگی به درآمدهای منابع طبیعی است. این مکانیزم یکی از دلایل اصلی تبدیل اثرات مثبت کوتاه‌مدت رشد درآمدهای نفتی به اثرات منفی بلندمدت می‌باشد (دهقان منشادی و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مهمترین نهادها درکشور، قانون بودجه سنواتی است. درآمد نفت طی سالیان گذشته بودجه دولت را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است، به نحوی که بودجه دولت به شدت به درآمد حاصل از نفت وابسته گردیده و همراه با افزایش درآمدهای نفتی، بودجه دولت نیز گسترش یافته است. هم حرکتی این دو شاخص در شکل(۱) نشان داده شده است. یک مسئله مهم این است که بررسی تغییرات بودجه دولت نشان می‌دهد که واکنش بودجه دولت به نوسانات درآمد نفت نامتقارن می‌باشد. در دوره‌های افزایش درآمد نفت، هزینه‌های دولت به طور متناسب شروع به افزایش می‌نماید، در حالی که در دوره‌های کاهش درآمد نفت، هزینه‌های دولت به همان نسبت کاهش نمی‌یابد. در واقع در دوره‌های کاهش درآمد نفت، عموماً کسری بودجه شروع به افزایش می‌نماید تا اینکه مخارج دولت کاهش یابد، در واقع دولت کاهش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

درآمدهای نفتی خود را با کسری بودجه جبران نموده است. این موضوع با مقایسه سهم درآمدهای نفتی و کسری بودجه در سال‌های مختلف در بودجه دولت، در شکل(۲) نشان داده شده است. تغییرات سهم درآمدهای نفتی و کسری بودجه نشان می‌دهد که روند حرکت این دو متغیر در جهت عکس یکدیگر می‌باشد، یعنی در سال‌هایی که سهم درآمدهای نفتی در بودجه کاهش یافته است، سهم کسری بودجه زیاد شده است و بالعکس.

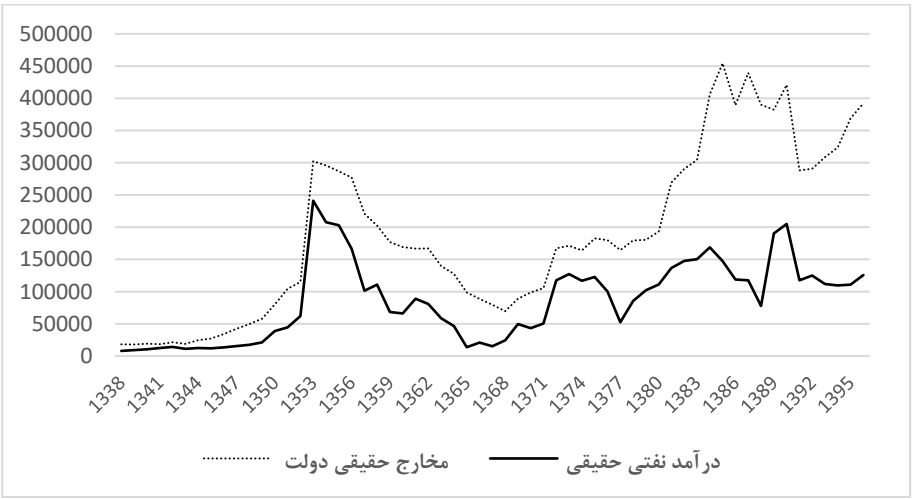

شکل ۱. هم حرکتی مخارج دولت با درآمدهای نفت به قیمت حقیقی (میلیارد ریال)
مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

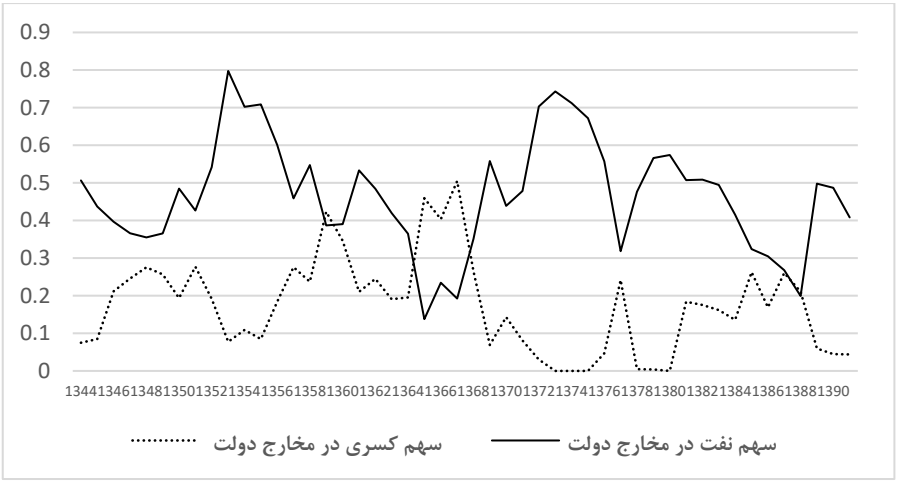

شکل ۲. سهم نفت و کسری در مخارج دولت (مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

از دیگر سو یافته‌های تحقیقات بیانگر آن است که تکانه‌های نفتی منجر به تخریب نهادی در ایران شده و اثر درآمدهای نفتی بر کیفیت نهادی در ایران منفی است به نحوی که درآمدهای نفتی و تکانه‌های آن با تخریب کیفیت نهادی کشور از مسیر گسترش فعالیت‌های رانت‌جویی، افزایش هزینه‌های مبادلاتی تولید، کاهش اثرگذاری مخارج دولت و انحراف سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی از اهداف مورد نظر، به ایجاد اثرات مخرب بر تولید غیرنفتی ایران در بلندمدت می‌انجامد (محسنی و همکاران (۱۳۹۳)، معینی‌فر و مهرآرا (۱۳۹۴) و فیضی و همکاران (۱۳۹۶)، اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۴)، اسلام‌لوییان و جعفری (۱۳۹۶) و دهقان منشادی و همکاران (۱۳۹۹)). یکی از شاخص‌های متداول برای ارزیابی کیفیت نهادی در مطالعات تجربی، شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (ICRG) و زیر شاخص‌های آن می‌باشد که توسط گروه خدمات ریسک سیاسی (PRS) تدوین و منتشر می‌شود. روند تغییرات ریسک سیاسی که در بازه ۰ و ۱ نرمالایز شده است، از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۶ در شکل (۳) نمایش داده شده است. میانگین این شاخص در این بازه زمانی برابر با ۵۳ از ۱۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد اقتصاد ایران در مجموع با ریسک سیاسی بالا و به عبارت دیگر کیفیت نهادی پایین مواجه بوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

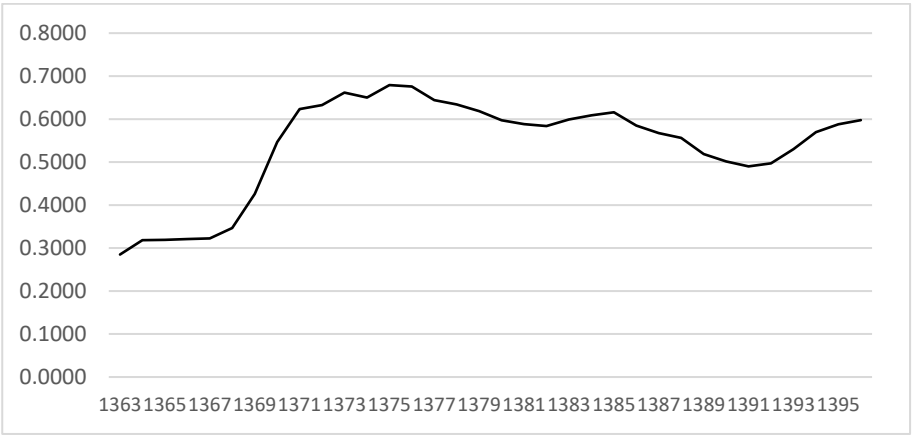

شکل ۳. روند تغییرات شاخص کیفیت نهادی (مأخذ: گروه خدمات ریسک سیاسی)

علاوه بر این بررسی شاخص‌های کلیدی اقتصادی و اجتماعی ایران نشان می‌دهد به‌علت معضلات انباشته ناشی از آسیب‌های تاریخی اقتصاد ایران به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی، برخی از شاخص‌های اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، تورم و بیکاری در شرایط نامناسب قرارگرفته‌اند که در شرایط حاضر، تحریم‌ها نیز منجر به تشدید این مشکلات شده‌اند. در نتیجه، برای حفظ ثبات اقتصادی و صیانت از اشتغال و تولید لازم است اصلاحاتی در ساختار اقتصادی کشور با رویکرد قطع وابستگی مستقیم بودجه به نفت انجام گیرد تا از بروز بحران‌های اقتصادی و ایجاد اختلال جدی در اداره کشور ممانعت شود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸). از آنجا که کمتر مطالعه‌ای در حوزه سیاست‌گذاری با تأکید بر کنترل تخریب کیفیت نهادی تکانه‌های نفتی در دسترس می‌باشد. از این رو این مقاله به معرفی نوآوری‌های نهادی کنترل‌کننده تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در ایران با تأکید بر اصلاح ساختار بودجه پرداخته است. در این راستا ساختار مقاله به این صورت تنظیم شده که پس از مقدمه در بخش دوم، ادبیات تحقیق مرور شده است. در بخش سوم نوآوری‌های نهادی معطوف به کنترل تخریب نهادی تکانه‌های نفتی معرفی و تبیین خواهد شد. بخش چهارم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

۲. ادبیات تحقیق

به طور کلی نقش درآمدهای نفتی در بودجه دولت یک کشور نفت‌خیز منجر به سلطه مالی و بعضاً اثر ازدحام و تضعیف نقش بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود و از این بابت اقتصاد کشور متکی به درآمد نفت آسیب‌پذیری‌های جدی و عمیقی نسبت به درآمدهای نفتی دارد. به علاوه نوسان مستمر و شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی رفتارهای مالی بی‌ثبات را در اقتصاد کشور شکل می‌دهد (دهقان منشادی و همکاران، ۱۳۹۹). از آنجا که مخارج دولت یکی از مهم‌ترین اجزای تقاضای کل اقتصاد است، بنابراین روشن است که بی‌ثباتی مخارج دولت از طریق ایجاد بی‌ثباتی در تقاضای کل، به بی‌ثباتی تولید و رشد اقتصادی می‌انجامد. از سوی دیگر، تکانه‌های نفتی مثبت در نتیجه تبدیل درآمدهای ارزی نفت به معادل پول ملی آن توسط بانک مرکزی منجر به افزایش حجم پول می‌شود. از طرفی، دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش یافته که این امر سبب افزایش نقدینگی می‌شود. از این‌رو، تکانه‌های نفتی به‌عنوان یکی از کانال‌های اصلی مکانیسم سیاست‌های پولی در اقتصاد این کشورها شناخته می‌شود. نکته قابل ذکر آن است که تکانه قیمت نفت عاملی برون‌زا است و فاکتورهای مختلف بین‌المللی در شکل‌گیری آن دخالت دارند. این امر بیانگر آسیب پذیری قابل ملاحظه اقتصاد داخل از عوامل بیرونی است و نوسان‌پذیری و بی‌ثباتی اقتصاد را در پی خواهد داشت (حیدری و ملابهرامی، ۱۳۹۳). در مجموع با توجه به مشکلات ساختاری بودجه عمومی ایران و اثرپذیری شدید آن از نوسانات قیمت‌های نفت، لذا، درآمدهای نفتی عملاً سیاست‌های مالی را تحت تأثیر قرار داده و در راستای آن بانک مرکزی و سیاست‌های پولی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. بنابراین جزء سیکلی متغیرهای پولی، اجزای پایه پولی و سطوح قیمت‌ها همگی به طور قوی تحت تأثیر جزء سیکلی نوسانات درآمدهای نفتی دولت قرار می‌گیرند و بخشی از این متغیرها به طور همزمان و بقیه با وقفه به نوسانات درآمدهای نفتی واکنش نشان می‌دهند و در نتیجه، تأثیر نهایی بر تولید بستگی به برآیند اثر فزاینده مستقیم و همچنین اثر کاهنده غیرمستقیم تکانه‌های نفتی بر تولید دارد. نتایج حاصل از تحقیق اسلاملوئیان و جعفری (۱۳۹۶) و دهقان‌منشادی و همکاران (۱۳۹۹)، برای اقتصاد ایران حاکی از برآیند منفی تکانه‌های نفتی بر رشد

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

محصول در اقتصاد ایران است. بررسی مطالعات موجود نشان می‌دهد جهت کنترل آثار منفی تکانه‌های نفتی، راهکارهای متعددی پیشنهاد گردیده است ولی تاکنون بسته سیاستی کاملی مبتنی بر یافته‌های علمی تحقیقات موجود برای دستیابی به این مهم ارایه نشده است. بنابراین این تحقیق سعی دارد با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به بررسی این موضوع بپردازد. از این روی مقالات و مطالعات موجود در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته و مهمترین حقایق آشکار شده مربوط به مشکلات ساختاری اقتصاد ایران که به نوعی به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی و وجود نوسان در این درآمدها است، شناسایی و به دنبال آن نوآوری‌های نهادی مناسب ارائه شده است. این روش به این دلیل انتخاب شده که بتوان از نتایج تحقیقات موجود در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده و آنها را کاربردی نمود.

۳. نوآوری‌های نهادی کنترل کننده تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در ایران

طبق نظر دهقان منشادی و همکاران (۱۳۹۹)، سیاست‌گذاران جهت طراحی راهبردهای دستیابی به ثبات اقتصادی می‌توانند با استفاده از اصول اقتصاد جریان اصلی و لحاظ فرصت‌ها و محدودیت‌های بومی به طراحی نهادی خلاقانه به منظور ایجاد یک زیربنای نهادی سالم و طولانی مدت به منظور پشتیبانی از پویایی‌های مولد اقتصاد و فراهم کردن قابلیت تاب‌آوری برای اقتصاد در برابر تکانه‌های درون‌زا و برون‌زا در طول دوره‌های بلندمدت مبادرت نمایند. نوآوری نهادی منجر به طراحی و ایجاد نهادهای مناسب پشتیبان عملکرد خوب بازارها و شکوفایی اقتصادی در بلندمدت خواهد شد. در این راستا در این بخش به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چه نهادهایی می‌توانند در بلندمدت تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در ایران را کنترل نمایند؟ در پاسخ به این سؤال بر اساس اصول حکمرانی خوب، اصلاح ساختار بودجه و ضابطه‌مند نمودن بودجه دولت، بر اساس اصول برقراری انضباط مالی، پیاده‌سازی قواعد مالی مشخص، بر اساس مبانی نظری مدیریت سلطه مالی، مدیریت آثار کسری بودجه دولت بر ترازنامه نظام بانکی و نقدینگی از طریق استقلال کافی و با کیفیت بانک مرکزی و بر اساس اصول مربوط به ثبات اقتصاد کلان و سیاست‌های سرمایه‌گذاری بهینه و مدیریت ریسک، اصلاح ساختار صندوق توسعه ملی مورد توجه قرار گرفته است. اطلس نوآوری‌های نهادی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

در شکل شماره (۳) نمایش داده شده است. در ادامه جزئیات مربوط به هر یک از این نوآوری‌های نهادی مورد بحث قرار گرفته است.

۱-۳. اصلاح ساختار و ضابطه‌مند نمودن بودجه دولت

کسری بودجه به طور کلی منجر به بی‌ثباتی در سطح اقتصاد کلان، ایجاد تورم‌های مزمن و پرنوسان، کاهش ارزش پول ملی و نیز کاهش تولید، اشتغال و به تبع آن کاهش رفاه اقتصادی می‌شود. لذا برای مدیریت آن می‌بایست دو اصل مهم هزینه‌کرد کارا و درآمدزایی پایدار مورد توجه قرار گیرد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸). در این راستا اصلاحات نهادی زیر جهت سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌گردد:

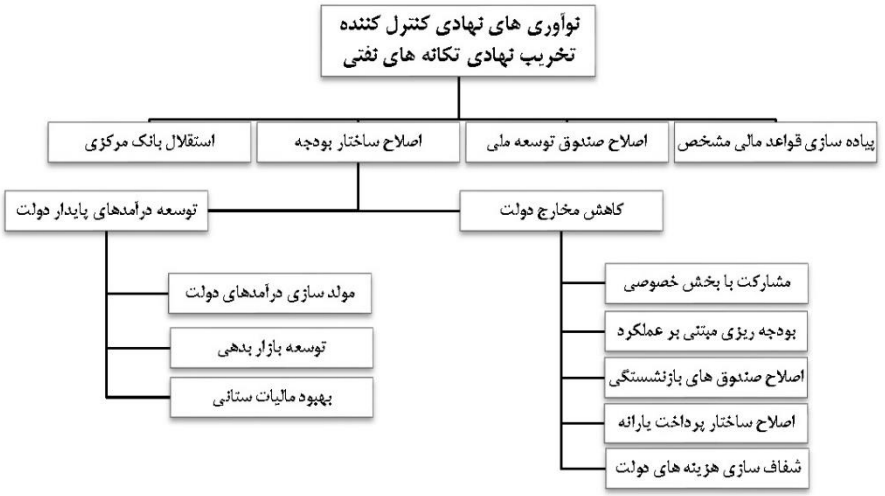

شکل ۳. اطلس نوآوری‌های نهادی معطوف به کنترل تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در ایران
(مأخذ: یافته‌های پژوهش از طریق تنظیم، تجمیع و ارزیابی نتایج مطالعات دیگر)

۱-۱-۳. توسعه درآمدهای پایدار دولت و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی

نوسان مستمر و بعضاً شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی رفتارهای مالی بی‌ثبات و غیرمتقارنی را در اقتصاد کشور شکل می‌دهد. این رفتارها ناشی از آن است که در شرایط افزایش قیمت نفت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

انبساط مالی و تعدیل با قیمت‌های بالا به صورت سیاستی و بعضاً خود به خودی محقق می‌شود، در حالی که در شرایط افت قیمت نفت نه تنها انقباض مالی متناسب محقق نمی‌شود، بلکه این امر نامطلوب تلقی می‌شود و به این دلیل، فشار بر بازارهای مالی و بخش خصوصی برای پرداخت مالیات بیشتر مضاعف می‌شود. همچنین نرخ حقیقی ارز به واسطه تکانه‌های ایجاد شده نظیر مازاد عرضه پول و یا کسری بودجه، در کوتاه مدت متأثر شده و این امر موجبات انحراف آن از مقدار تعادلی بلند مدت را فراهم می‌آورد. بنابراین، وابستگی کشور به درآمد حاصل از فروش نفت از یک سو و طبیعت پر نوسان و غیرقابل پیش‌بینی قیمت نفت از سوی دیگر نشان می‌دهد که بخش قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد کلان در معرض تکانه‌های بین‌المللی است. بودجه دولت، تراز بازرگانی خارجی، جریان سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی و نیز دارائی‌های خارجی بانک مرکزی و پایه پولی از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که در معرض اثرپذیری از نوسانات بازار بین‌المللی نفت قرار دارند. بنابراین درآمدهای نفتی می‌تواند از مسیرهای متفاوتی از جمله مسیر بودجه دولت، میزان حجم پول و نرخ ارز، اثرات خود را بر متغیرهای کلان اقتصاد بر جای گذارد (دهقان و پوررحیم، ۱۳۹۲). بنابراین ضروری است مکانیزم تخریبی تکانه‌های نفتی با استفاده از نوآوری‌های نهادی معطوف به اصلاح ساختار درآمدی دولت با هدف کاهش وابستگی درآمدهای دولت به درآمدهای نفتی، کنترل گردد. این نوآوری‌ها در ایران عبارتند از:

۱-۱-۱-۳. مدیریت و مولد سازی دارایی‌های دولت

ثروت عمومی را حاصل جمع دارایی‌های عمومی در مالکیت دولت تعریف می‌کنند. این ثروت عمومی شامل داریی‌های مالی خالص مانند هلدینگ‌های بانکی یا صندوق‌های بازنشستگی، دارایی‌های عمومی تجاری از قبیل بنگاه‌ها و املاک و مستغلات تجاری، دارایی‌های عمومی غیرتجاری از قبیل جاده‌ها می‌شود که بدهی‌های دولت از آن کم می‌شود. در سال‌های اخیر افزایش بدهی‌های دولت، موجب گردید که دولت‌ها تمرکز خود را بر روی ساماندهی بدهی‌ها بگذارند. به گفته صندوق بین‌المللی پول زمانی که از استراتژی‌های کاهش بدهی صحبت به میان می‌آید توجه کمی به دارایی‌های غیرمالی دولت‌می‌شود. بخشی از این بی‌توجهی به خاطرکمبود اطلاعات است

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

(صندوق بین المللی پول[1]، ۲۰۱۳). این کمبود اطلاعات مختص ایران نیست و در تمام کشورها نیز مصداق دارد. در حقیقت بزرگ‌ترین چالش در ارزش‌گذاری ثروت عمومی در بیشتر کشورها به املاک و مستغلات مربوط می‌شود که سوابق ثبتی اغلب از هم گسیخته و پراکنده بین چندین اداره است، به طوری که هر کدام از آنها تکه‌ای از پازل را پیش خود نگه داشته‌اند و مانع دسترسی دیگران به اطلاعات خود می‌شوند. هر کوششی برای ارزیابی ارزش دارایی، بودجه‌بندی فعال مدیریت دارایی و ارزش‌یابی عملکرد پرتفوی دارایی عمومی، در روند بوروکراسی بی‌نتیجه می‌ماند (گروبیسیک و همکاران[2]، ۲۰۰۹).

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تلاش‌های زیادی برای تخمین میزان دارایی‌های عمومی دولت‌ها انجام داده‌اند. با این وجود صندوق بین‌المللی پول تنها برای ۲۷ کشور توانسته این کار را انجام دهد. مقایسه‌های بین کشوری هنوز استحکام کافی ندارد و همه برآوردها دچار خطای به سمت پایین هستند. کشورها عمدتاً دارایی‌های مالی (در تعریف صندوق بین‌المللی پول، سهام شرکت‌های دولتی نیز شامل می‌شود) و دارایی‌های غیرمالی که بخشی از به اصطلاح دارایی‌های تولید شده را شامل می‌شود، گزارش می‌دهند. اینها شامل دارایی‌های ثابت (ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات)، موجودی کالا، مالکیت فکری، و اقلام باارزشی مانند کارهای هنری، فلزات گران‌بها و جواهرات است. تعداد کشورهایی کمتری داده‌های دارایی‌های تولید نشده از قبیل منابع طبیعی (نفت، گاز یا معادن، قراردادها و اجاره‌ها) را ثبت می‌کنند (صندوق بین المللی پول، ۲۰۱۳).

نتایج مطالعات دتر و فولستر (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد که در بین ۲۷ کشوری که صندوق بین‌المللی پول ارزیابی کرد، دارایی‌های عمومی به طور میانگین بالغ بر۱۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی می‌باشد. حتی وقتی میانگین موزون بر حسب اندازه تولید ناخالص داخلی محاسبه شود، دارایی‌های دولتی هنوز بزرگ‌تر از تولید ناخالص داخلی است. در مجموع این دو محقق عنوان می‌کنند که «خیلی راحت می‌توان فرض کرد ارزش کل دارایی‌های دولت مرکزی، دست کم برابر با تولید ناخالص داخلی است».

1. International Monetary Fund (IMF)

2. Grubisic et al.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری عمومی می‌تواند اثر مهمی بر سطوح و رشد تولید ناخالص داخلی داشته باشد، افزایش بازدهی دارایی‌های این بخش اثرات اقتصادی قابل توجهی خواهد داشت. اما سؤالی که وجود دارد این است که چه میزان افزایش بازدهی در این مورد امکان‌پذیر است. مطالعات نشان می‌دهد که میانگین بازدهی دارایی‌ها برای شرکت‌های دولتی در چین از سال۲۰۰۸ تا کنون حدود ۴/۶ درصد بوده، در مقایسه با شرکت‌های خصوصی که ۹/۱ درصد بوده است. مطالعات بر روی دارایی‌های عمومی اکراین نشان می‌دهد که دارایی‌های عمومی در سطح ملی تأثیر بودجه‌ای منفی دارد، چون زیان‌ده هستند و به هزینه خالص بیش از ۱۱/۸ درصد کل تولید ناخالص داخلی به کشور در سال ۲۰۱۶ بالغ می‌شود (صندوق بین المللی پول، ۲۰۱۳). این بازدهی پایین دارایی‌های دولتی در حالی است که امکان بهبود آن وجود دارد به عنوان مثال دولت سوئد تصمیم گرفت املاک و مستغلات خود را در چندین شرکت هلدینگ جداگانه واگذار کند. در نتیجه به عنوان نمونه پرتفوی اموال دانشگاه، از ۷ میلیارد کرون سوئد به بیش از ۶۴ میلیارد کرون سوئد طی ۲۰ سال افزایش یافت. یا در بلژیک، تأمین اجتماعی این کشور به دنبال کاهش نیاز به ساختمان و زمین حرکت کرد و در این راستا توانست ۹۲ درصد از وظایف شغلی را به صورت دورکاری تعریف کند و این مسئله توانست کاهش محسوسی در میزان فضای اداری مورد نیاز ایجاد نماید. بنابراین از تجربیات موجود در دنیا می‌توان نتیجه گرفت که امکان افزایش بازدهی دارایی‌های عمومی کاملاً در دسترس است. دتر و فولستر (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که اگر نرخ بازدهی دارایی‌های عمومی تنها به اندازه ۱ درصد افزایش یابد، این متناظر با ۱ درصد کل تولید ناخالص داخلی هر سال است. بالا بردن نرخ بازده به اندازه ۲ درصد تقریباً برابر با مخارج جهانی است که صرف تحقیق و توسعه می‌شود، در حالی که افزایش یافتن بازده‌ها به ۳/۵ درصد، برابر با تمام مخارج جهانی است که صرف زیرساخت‌های اساسی (حمل و نقل، انرژی، آب و ارتباطات) می‌شود.

با توجه به مطالعات صورت گرفته و با توجه به ساختار اقتصاد ایران می‌توان نتایج پژوهش دتر و فولستر (۱۳۹۶) را به ایران هم تعمیم داد و عنوان کرد که ارزش دارایی‌های عمومی در سطح دولت مرکزی تقریباً معادل تولید ناخالص داخلی است. با وجود این معیار یک تخمین خام اولیه از میزان دارایی‌های عمومی دولت در دسترس قرار دارد که می‌توان با استفاده از آن به بررسی اثر مولد

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

سازی دارایی‌های دولت در ایران پرداخت. با این فرض و محاسبات صورت گرفته افزایش بازدهی به میزان یک درصد به طور متوسط می‌تواند ۱۷ درصد از اتکای دولت به درآمد نفتی را کم کند. بنابراین تمرکز بر روی دارایی‌های در دسترس دولت که در مالکیت دولت قرار دارد و افزایش بازدهی این دارایی‌ها می‌تواند بسیاری از مشکلات مالی دولت را کاهش دهد (نمازی و همکاران، ۱۳۹۶). بنایراین ضروری است پروژه مدیریت و مولد سازی دارایی‌های دولت که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با هدف مدیریت جامع بر دارایی‌های دولت و ارتقاء بهره‌وری و مولدسازی اموال و دارایی‌های دولت، شناسایی و دستیابی به اطلاعات، میزان کمی و کیفی و ارزش اموال و دارایی‌های دولت، نهادینه‌سازی و استقرار نظام مدیریت دارایی‌های دولت و بهره‌برداری مسئولانه از آنها با اختیارات لازم و کاف، بهینه‌سازی استفاده از اموال و دارایی‌های دولت، مولدسازی دارایی‌های دولت به‌عنوان ابزار تأمین مالی از طریق اجاره، استجاره، صکوک اجاره، ترهین و توثیق و پیشگیری از راکد و بلااستفاده ماندن دارایی‌های دولت با تبدیل به احسن و مولدسازی آنها تعریف شده است[۱]، با جدیت اجرایی گردد.

۲-۱-۱-۳. توسعه نظام‌مند بازار بدهی و انتشار اوراق بدهی دولت

از راه‌های بسیار متداول مدیریت نوسانات درآمدی بودجه در دنیا، استفاده از اوراق کوتاه‌مدت دولتی است که نقش نوسان‌گیر را ایفا می‌کنند. در مواقعی از سال و یا طی سال‌های مختلف ممکن است درآمدهای دولت در اثر کاهش درآمدهای نفتی کم شده و یا هزینه‌های آن به صورت غیرمنتظره افزایش پیدا کند. در این مواقع دولت با انتشار اوراق سه ماهه پرداخت‌های درون‌سالی خود را انجام می‌دهد و یا با انتشار اوراق یک، سه تا سی ساله، هزینه‌های خود را پوشش می‌دهد. در مواقعی هم که بر اساس قاعده مالی تعریف شده، درآمدها بیش از مقدار از پیش تعیین شده باشد، دولت می‌تواند از طریق بازخرید اوراق خود، تعهدات آتی را کاهش دهد. با این روش دولت می‌تواند مخارج خود را هموار نماید و آنها را قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کند. به علاوه بازار بدهی می‌تواند به دولت در ثبات‌سازی در سطح اقتصاد کلان با اعمال رفتار پادچرخه‌ای کمک نماید؛

۱. جهت مطالعه جزئیات مربوط به این طرح به http://amvaledolati.mefa.ir مراجعه شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

یعنی در شرایط رکودی، میزان مخارج خود را از طریق افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی بالا ببرد تا تقاضای کل را تحریک نماید و اقتصاد را از رکود خارج نماید و در شرایط رونق شدید نیز با عکس این عمل در اقتصاد تعدیل ایجاد نماید. این نقش ثبات‌سازی تنها با کمک اوراق دولتی در یک بازار بدهی عمیق میسر است که دولت بتواند به راحتی در شرایط رکودی اوراق منتشر نموده و با جذب منابع، سرمایه‌گذاری دولتی را افزایش دهد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸). بر اساس دیدگاه سیاست‌گذاران مالی نیز، اوراق بدهی می‌توانند به عنوان ابزاری بدون ریسک، کسری بودجه جاری دولت را پوشش داده و بدهی انباشت شده دولت را نقدشونده‌تر نمایند. بنابراین توسعه و تعمیق بازار بدهی می‌تواند باعث افزایش شفافیت مالی، تعیین غیر دستوری نرخ بهره در بازار، اثرگذاری بیشتر سیاست‌های پولی، افزایش توان سیستم بانکی در تأمین مالی کوتاه‌مدت بنگاه‌ها شود (حاجی‌دولابی، ۱۳۹۶). در ایران نیز با توجه به کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر، فروش اوراق مشارکت به منظور بازپرداخت بدهی دولت به پیمانکاران بخش خصوصی و تأمین بخشی از هزینه‌های جاری دولت آغاز و بازار اوراق بدهی دولتی با انتشار اسناد خزانه اسلامی در مهرماه ۱۳۹۴ تشکیل شد. اما باید توجه داشت که انتشار این اوراق باید مبتنی بر یک قاعده مالی تضمین‌کننده پایداری مالی دولت باشد. زیرا افزایش شدید کسری‌های مالی و بدهی دولت، می‌تواند نگرانی‌هایی را در خصوص پایداری مالی در ایران مطرح ساخته و به عنوان یکی از چالش‌های آتی سیاست مالی در توسعه استراتژی‌های معتبر در جهت تقویت تأمین مالی دولت‌ها بیان گردد (حاجی‌دولابی، ۱۳۹۶). بنابراین بازار بدهی در ایران نیازمند تعمیق و نهادسازی است. برای آنکه دولت به راحتی بتواند در بازار اولیه اوراق خود را بفروشد و نرخ‌ها از تعادل خارج نشوند، به حضور فعال بانک مرکزی در بازار ثانویه نیز نیاز است تا با خرید و فروش اوراق در بازار ثانویه و مدیریت بازار پول، فضا را به‌گونه‌ای آماده نماید که حضور دولت در بازار بدهی کل بازارهای مالی را تحت الشعاع قرار ندهد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد توسعه نظام‌مند بازار بدهی و انتشار اوراق بدهی دولت بر اساس یک قاعده مالی مشخص در دستور کار قرارگیرد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

۳-۱-۱-۳. بهبود نظام مالیات ستانی در کشور

مالیات‌ها به عنوان معمول‌ترین و مهم‌ترین منبع مالی برای تأمین درآمدهای عمومی و یکی از کاراترین و مؤثرترین ابزارهای سیاست مالی در دنیا به شمار می‌روند که دولت می‌تواند به واسطه آن، بسیاری از خدمات اجتماعی و رفاهی را در اختیار مردم قرار دهد و به فعالیت‌ها و جریانات اقتصادی و اجتماعی سمت و سو بخشد. اطلاع از میزان درآمدهای مالیاتی قابل حصول در منابع مختلف مالیاتی، علاوه برتخصیص بهینه منابع در جهت وصول آنها، دولت را در انجام برنامه‌ریزی‌های دقیق مالی کمک کرده، میزان مشارکت مردم را در تأمین مالی هزینه‌های عمومی دولت مشخص می‌کند. این درآمدها، منابع پایدار درآمدی دولت محسوب شده و در نتیجه هر چه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد، ثبات و سلامت اقتصادی هم بیشتر خواهد بود.

از این رو در جهت افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و توزیع مناسب مالیات‌گیری در بخش‌های رسمی و غیررسمی و متشکل و غیرمتشکل اقتصاد و همچنین برقراری عدالت مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی لازم است نظام مالیاتی کشور اصلاح شود. در این راستا دو محور زیر باید در طراحی‌های نهادی مورد توجه قرار گیرد:

- مبارزه با فرار مالیاتی

یکی از مهمترین موضوعات قابل بررسی در حوزه مالیات، فرار مالیاتی و راهکارهای مدیریت آن می‌باشد. کاهش فرار مالیاتی موجب می‌شود بدون تحمیل بار مالیاتی بیشتر بر مؤدیان، درآمدهای مالیاتی دولت ارتقا یابد که این امر از حیث عدالت مالیاتی و محدودیت‌های مالی پیش‌روی دولت اهمیت بسیاری دارد فرار مالیاتی یکی از چالش‌های بسیار مهم به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه می‌باشد. بنا به تعریف، فرار مالیاتی به عنوان جزئی از فعالیت‌های زیرزمینی یا بخش نامنظم اقتصاد شناخته شده و فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که مالیات آنها پرداخت نشده است. بررسی پدیده فرار مالیاتی و شناسایی عوامل مهم شکل‌گیری آن کمک می‌کند، مناسب‌ترین راهبردها و

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

زیرساخت‌های لازم برای جلوگیری و کاهش آن فراهم آید. براساس مطالعات موجود،[۱] حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران به‌طور متوسط بین ۳۳ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده است که میزان قابل توجهی بوده و می‌بایست کنترل گردد.

- تسهیل فرآیند دادرسی مالیاتی و برقراری عدالت مالیاتی

تسهیل فرایند دادرسی مالیاتی و برقراری عدالت مالیاتی می‌تواند با افزایش رضایت فعالان اقتصادی از نظام مالیات ستانی، مشارکت آنها را افزایش دهد. متاسفانه این فرایند در ایران بسیار طولانی است.[۲] در جهت اصلاحات نهادی این بخش و رفع آسیب‌ها و چالش‌های نظام دادرسی مالیاتی می‌توان به استقلال هیات‌های حل اختلاف، کاهش پرونده‌های ارجاعی به مراجع دادرسی، کاهش زمان

---

۱. دفتر مطالعات بخش عمومی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۹۷) براساس محاسبات صورت داده، حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران طی دوره مورد بررسی (۹۶-۱۳۶۰) را به‌طور متوسط معادل ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد نموده است. بر این اساس، حجم فرار مالیاتی نیز معادل ۳۵ درصد وصولی درآمدهای مالیاتی برآورد شده است.

ـ رضا قلی زاده، آقایی و عالمی (۱۳۹۷) نیز به برآورد اندازه فرار مالیاتی در ایران و بررسی علل و آثار آن به روش شاخص چندگانه. علل چندگانه پرداخته‌اند. نتایج برآورد سری زمانی فرار مالیاتی نشان دهنده آن است که روند فرار مالیاتی در ایران طی سال‌های مورد بررسی به رغم نوسانات عمده، در مجموع افزایشی بوده است، به گونه‌ای که از ۱۲/۶ درصد GDP رسمی در سال ۱۳۵۷ به ۳۳/۱۱ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

ـ مطلبی، علیزاده و فرجی دیزجی (۱۳۹۷)، به برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با در نظر گرفتن عوامل رفتاری در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق بیانگر اندازه ۳۳/۵ درصدی فرار مالیاتی در ایران می باشد.

۲. بر اساس مطالعه دفتر مطالعات بخش عمومی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۹۷)، در نظام مالیاتی ایران هفت مرجع برای رسیدگی به شکایات و حل اختلافات مالیاتی وجود دارد. از این میان، پنج مرجع شامل: دادرسی اداری، هیات حل اختلاف بدوی، هیات حل اختلاف تجدیدنظر، شورای عالی مالیاتی و هیات موضوع ماده ۲۱۶ قانون به عنوان مراجع درون سازمانی (حیطه اختیارات سازمان امور مالیاتی کشور) و دو مرجع دیگر شامل: هیات موضوع ماده ۲۵۱ مکرر و دیوان عدالت اداری به عنوان مراجع برون سازمانی طبقه‌بندی می‌شوند. رسیدگی در مرجع شورای عالی مالیاتی صرفاً به‌صورت شکلی (بررسی پرونده از حیث رعایت قوانین و مقررات) و در مراجع هیات موضوع ماده ۲۱۶ و دیوان عدالت اداری به‌صورت شکلی و ماهوی (تعدیل درآمد مشمول مالیات) بوده و در سایر مراجع به‌صورت ماهوی انجام می گیرد.

ـ در چارچوب قانون مالیات‌های مستقیم، دستورالعمل دادرسی مالیاتی و همچنین قانون تشکیلات دیوان عدالت اداری، مجموع زمان مقرر برای طی فرآیند دادرسی مالیاتی در ایران حدود ۷۵۹ روز می‌باشد که از این میزان ۴۵۱ روز در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی است. این در حالی است که در عمل، مدت زمان دادرسی، فقط در مراجع هیات‌های حل اختلاف مالیاتی بدوی(مرحله دوم دادرسی) برای پرونده‌های مهم بازبینی شده بطور متوسط حدود ۵۹۵ روز به طول می‌انجامد (در مقابل حداکثر ۹۹ روز قانونی).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

دادرسی و افزایش کیفیت آراء صادره از سوی هیأت‌ها اشاره نمود (دفتر مطالعات بخش عمومی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۷).

در این راستا اصلاحات نهادی مرتبط با افزایش درآمدهای مالیاتی را می‌توان بر اساس گسترش پایه‌های مالیاتی، جلوگیری از فرار مالیاتی با استفاده از تکمیل پایگاه‌های داده‌های اقتصادی (فعال‌سازی ظرفیت ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم)، شفاف‌سازی مبادلات اقتصادی با استفاده از سامانه‌های صندوق فروش توسط اصناف و صاحبان مشاغل، جایگزینی کامل سیاست اعتبار مالیات با نرخ صفر به جای معافیت مالیاتی قانونی[۱] و ثبت معافیت‌های مذکور به صورت جمعی– خرجی، ایجاد پایگاه مودیان مالیاتی و تشویق خوداظهاری و در نهایت ساماندهی معافیت‌های مالیاتی و گمرکی طراحی نمود. در کنار آن، حرکت به سمت نظام مالیات بر درآمد خانوار[۲] از ضروریات تحقق یک نظام مالیاتی توسعه‌یافته است. همچنین لازم است رویکرد نهاد مالیات‌ستان در نحوه اخذ مالیات از ممیزمحوری فاصله گرفته و به حسابرسی مبتنی بر ریسک برسد.

---

۱. منظور از مالیات با نرخ صفر روشی است که مؤدیان مشمول آن مکلف به تسلیم اظهارنامه، دفاتر قانونی، اسناد و مدارک حسابداری حسب مورد، برای درآمدهای خود به ترتیب مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم و در مواعد مشخص شده به سازمان امور مالیاتی می باشند و سازمان امور مالیاتی نیز مکلف به بررسی اظهارنامه و تعیین درآمد مشمول مالیات بر اساس مستندات، مدارک و اظهارنامه تسلیمی است و پس از تعیین درآمد مشمول مالیات مودیان، مالیات آن با نرخ صفر محاسبه می‌شود. اعمال نرخ صفر در مالیات کشور، باعث ایجاد شفافیت و افزایش رقابت در اقتصاد کشور شده و از این راه نظام مالیاتی قادر خواهد بود ظرفیت درآمدهای مالیاتی کشور را به صورت سالانه تخمین زده و آمار های روشن و نزدیک به واقعیتی را به منظور برنامه ریزی دقیق نظام اقتصادی کشور به دست آورد و آمار معافیت های مالیاتی را شفاف سازی نماید. طی این روند هیچ معافیتی حذف یا دخل و تصرف نمی شود، بلکه شکل تقویم معافیت ها در اقتصاد تغییر می نماید.

۲. مالیات بر مجموع درآمد، مالیات از مجموع جریان‌های درآمدی است که افراد از منابع مختلف به‌دست می‌آورند؛ درواقع پایه مالیاتی در این نوع مالیات منابع درآمدی فرد از قبیل حقوق و دستمزد، سود، بهره، اجاره، عایدی سرمایه، پرداخت‌های انتقالی دولت، درآمد مشاغل و ... را شامل می‌شود. با وجود این مالیات، درآمدهای حاصل از سفته‌بازی در بازارهایی مانند بازار ارز و سکه، از طریق بانک‌های اطلاعاتی جامعی که در اختیار نظام مالیاتی قرار دارد، قابل شناسایی بوده و امکان اخذ مالیات از آن‌ها وجود دارد. با وضع این مالیات انگیزه فعالین اقتصادی و خانوارها برای سرمایه‌گذاری سودهای ناشی از فعالیت‌های اقتصادی در سمت بنگاه‌ها (تولید) افزایش می‌یابد. به علاوه، این مالیات حفره‌های انواع مالیات‌های دیگر را پر می‌کند. به عبارت دیگر، حتی در صورت فرار مالیاتی در سایر انواع مالیات‌ها، از آن‌جا که این درآمدها در نهایت بخشی از درآمد فرد یا خانوار را تشکیل خواهند داد، دولت می‌تواند با مالیات بر مجموع درآمد فرد/خانوار عملاً آنها را جبران نماید. وضع این نوع مالیات در بلندمدت، امکان کاهش نرخ سایر پایه‌های مالیاتی بدون دغدغه کاهش درآمدهای مالیاتی مانند مالیات بر سود شرکت‌ها را به دولت می‌دهد که می‌تواند منجر به رونق تولید و اشتغال شود (سازمان مدیریت برنامه ریزی، ۱۳۹۸).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

به نظر می‌رسد تکمیل پروژه طرح جامع مالیاتی می‌تواند با ایجاد بستر اطلاعاتی مورد نیاز، به عنوان یک اصلاح نهادی در حوزه آمار و اطلاعت اقتصادی، منجر به بهبود قابل توجه نظام مالیات‌ستانی در کشور گردد.

۲-۱-۳. کاهش مخارج دولت و افزایش کارایی آن

با توجه به سهم قابل‌توجه مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی، در صورت بهبود نحوه هزینه‌کرد منابع، دستیابی به اهداف تصریح شده در اسناد بالادستی از جمله فراهم کردن کالاهای عمومی، ایجاد ثبات در اقتصاد کلان، ایجاد اشتغال و بهبود معیشت تسهیل می‌شود. خروج دولت از حوزه‌هایی که ضرورتی به حضور نبوده و افزایش عدالت و کارایی تخصیصی انواع یارانه‌های آشکار و پنهان، به دولت در تأمین منابع مالی لازم برای موارد مهمی از قبیل ارتقاء کیفیت خدمات آموزشی و بهداشتی، فراهم آوردن زیرساخت‌های تولید و اشتغال، توسعه متوازن کشور و تقویت حکمرانی، امنیت و امور دفاعی کمک نموده و منابع لازم برای انجام اصلاحات اقتصادی و بهبود اداره کشور را فراهم می‌کند. برای افزایش کارایی نظام اداری و کاهش هزینه‌های دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی نیاز است تا از طریق تقویت بخش‌های کارآمدتر دولت و ساماندهی و ادغام سازمان‌ها و فعالیت‌های موازی، فعالیت‌ها اولویت‌بندی شده، هزینه‌های غیرضروری کاهش یابد و هزینه‌های ضروری هم به صورت بهینه‌تری تخصیص داده شوند. رکن دیگر افزایش کارایی مخارج دولت، اهرم کردن منابع بودجه است، به طوری‌که هر یک ریال بودجه بتواند در ترکیب با دیگر منابع مالی موجود در اقتصاد اثرگذاری بیشتری داشته باشد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸).

۱-۲-۱-۳. توسعه مشارکت عمومی – خصوصی

در کشورهای در حال توسعه مانند ایران تقاضا برای زیر ساخت‌ها و خدمات در حال رشد است به نحوی که ارائه این تقاضا خارج از توان و ظرفیت بخش دولتی است و ضروری است بخش دولتی به دنبال تمهیدات لازم برای جذب سرمایه، مهارت و توانایی‌های تحمل ریسک بخش خصوصی باشد. از این رو در سال های اخیر قراردادهای مشارکت بخش عمومی – بخش خصوصی (PPP)[1]

1. Public – Private Partnership (PPP).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

در جهان به نحو چشم‌گیری گسترش یافته‌اند. در ایران نیز با ابلاغ آیین نامه اجرایی ماده ۲۷ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، به‌کارگیری کامل آنها در تأمین مالی پروژه های دولتی و مردمی‌سازی اقتصاد در دستور کار قرار گرفته است. توسعه مشارکت عمومی – خصوصی به دولت این اجازه را می‌دهد که از مخارج روی سرمایه‌گذاری زیربنایی بدون چشم‌پوشی از منافع آن اجتناب کند و یا آن را به تاخیر اندازد. بنابراین با توجه به کمبود منابع مالی دولت و ناکارایی بخش دولتی در اجرای پروژه‌های مختلف و بهره‌برداری از آنها، استفاده از منابع مالی، تخصص، بهره‌وری و خلاقیت بخش خصوصی، جهت انجام وظایف بخش دولتی در توسعه زیرساخت‌ها و افزایش سطح عمومی رفاه جامعه، اجتناب ناپذیر است. از این رو مطابق با روند تحولات جهانی در زمینه روش‌های تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و تبدیل شدن قراردادهای PPP به اولویت نخست تأمین مالی این‌گونه پروژه‌ها، ضروری است در کشور ما نیز استفاده از مشارکت عمومی - خصوصی به عنوان یک ابزار مهم در ایجاد سرمایه‌های بزرگ مورد نیاز در اجرای پروژه‌های زیرساختی، در اولویت روش‌های تأمین مالی قرار گیرد. از طرف دیگر جلب مشارکت بخش خصوصی در ارائه خدمات و توسعه مشارکت عمومی-خصوصی از جمله مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای اهرم کردن منابع بودجه هستند. به عبارت دیگر هر چند مشارکت عمومی - خصوصی راهکاری برای درآمدزایی دولت نیست، اما می‌تواند با اهرم کردن منابع دولت در طرح‌ها و پروژه‌ها، انتفاع جامعه از مخارج دولت را افزایش دهد و موجب افزایش کارایی هزینه‌کرد دولت شود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸). با توجه به تجربیات موجود، راز موفقیت قراردادهای PPP در تعامل بین مدیریت و تقسیم متناسب ریسک و منافع بین بخش عمومی و خصوصی است به نحوی که از یک سو انگیزه کافی را در بخش خصوصی برای مشارکت در پروژه و از سوی دیگر اطمینان کافی را در بخش عمومی از مدیریت کارا و اثر بخش پروژه ایجاد نماید. موضوعی که در لایحه قانون مشارکت بخش عمومی-بخش خصوصی[1] مورد توجه قرار گرفته

۱. جهت مطالعه لایحه مشارکت بخش عمومی- بخش خصوصی به http://cabinetoffice.ir مراجعه نمایید.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

است. بنابراین ضروری است تصویب این لایحه، جهت بسترسازی نهادی لازم برای این موضوع در دستور کار قرار گیرد.

۲-۲-۱-۳. استقرار کامل نظام بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد

ویژگی کلیدی نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، تلفیق اهداف نظام مدیریت بودجه با پاسخگویی مناسب است. به بیان دیگر عملکرد خوب مورد تشویق قرار می‌گیرد و عملکرد نامطلوب تنبیه می‌شود. تجربیات به‌دست‌آمده در این زمینه نشان می‌دهد که موفقیت در اجرای این نظام مبتنی‌بر تداوم آن ازسوی دستگاه‌های اجرایی و کاربرد تدریجی استانداردهای عملکرد کالاها و خدمات ارائه‌شده است. برای تحقق این امر لازم است: ۱- شاخص‌های عملکرد مشخص‌شده و به‌گونه‌ای گزارش شوند که قابل‌عملیاتی شدن ازسوی مدیران بودجه باشند. ۲- دستگاه‌های اجرایی از استقلال بیشتری برخوردار شوند، به‌نحوی‌که قادر باشند بهترین و کارآترین روش ارائه کالاها و خدمات را تعیین کنند. ۳- تغییرات لازم در عوامل انگیزشی و تنبیهی برای مدیران دستگاه‌های اجرایی پیش‌بینی شود.

بودجه‌ریزی مبتنی‌بر عملکرد عوامل «صرفه‌جویی» و «اثربخشی» را به ابعاد سنتی بودجه‌ریزی اضافه می‌کند. این نظام بین «کارآیی» و «اثربخشی» تمایز قائل می‌شود. در «کارآیی» استفاده مفید از منابع موردنظر است، درحالی‌که «اثربخشی» با عملکرد مرتبط است. در بودجه‌ریزی مبتنی‌بر عملکرد، طبقه‌بندی عملیات به‌گونه‌ای است که هدف‌ها شفاف‌تر بیان می‌شوند، ارزیابی بودجه آسان‌تر بوده و ارتباط بین منابع اختصاص داده شده و عملکرد، مورد توجه قرار می‌گیرد. مهم‌ترین هدف نظام بودجه‌ریزی مبتنی‌بر عملکرد اصلاح نظام مدیریت بخش عمومی و افزایش اثربخشی مخارج این بخش است. ویژگی‌های اساسی این اصلاح عبارتند از:

- ارزیابی پاسخگویی مسئولان و مدیران دستگاه‌های اجرایی براساس معیار دستاوردهای فعالیت‌های آنان، دامنه تأثیرگذاری آنان جهت نیل به دستاوردها و بودجه و امکاناتی که برای تحقق دستاوردها به مصرف رسیده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

- تضمین و تحکیم پاسخگویی از طریق انعقاد قرارداد و مبادله تفاهم‌نامه عملکردی بین مدیران و مسوولان رده‌های مختلف دستگاه‌های اجرایی و بین مسئولان دستگاه‌های اجرایی و سازمان مسوول بودجه‌ریزی کشور.
- استقرار نظام بودجه‌ریزی هدفمند و نتیجه محور.
- دادن اختیارهای لازم به مدیران در انتخاب نهاده‌های لازم برای تولید کالا و خدمات.
- ارزیابی مستمر عملکرد مدیران و مبنا قراردادن نتایج عملکرد به‌عنوان یکی از معیارهای تخصیص اعتبارات.

از آنجا که در حکم بند (پ) ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه دولت موظف شده است، از سال اول اجرای قانون برنامه، سالانه اعتبارات ۲۰ درصد دستگاه‌های اجرایی مندرج در قوانین بودجه سنواتی را به‌صورت بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد تنظیم کند، به نحوی که در سال پایانی اجرای قانون برنامه، ۱۰۰ درصد دستگاه‌ها دارای بودجه مبتنی بر عملکرد باشند، بنابراین ضروری است ترتیبات نهادی لازم جهت تحقق این هدف در دستور کار قرار گیرد.

۳-۲-۱-۳. اصلاح ساختار صندوق‌های بازنشستگی

یکی از مشکلات ساختاری نظام بودجه ریزی در کشور وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به بودجه عمومی می‌باشد که مشکلات متعددی را در این حوزه ایجاد نموده است.[۱] برای طراحی نهادی

۱ . از بحران صندوق‌های بازنشستگی به عنوان یکی از ۵ بحران اساسی سال‌های آینده در ایران نام برده می‌شود. افق پیش‌روی این صندوق‌ها از آن‌رو مهم است که معیشت میلیون‌ها سالمند در کشور به آن گره خورده و عدم رسیدگی به موقع به بحران صندوق‌های بازنشستگی، سایر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. همچنین برخی پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند در سال ۱۳۹۸ صندوق‌های بازنشستگی با حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه روبه‌رو خواهند شد و به همین دلیل، دولت سه مسئله مهم در پنج سال آینده را بحران آب، محیط‌زیست و صندوق‌های بازنشستگی عنوان کرده است. گزارش‌ها (گزارش‌های عملکرد بودجه سنواتی) نشان‌می‌دهد دولت ناچار است سالانه حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان به صندوق‌های بازنشستگی بابت کسری بودجه آن‌ها کمک کند؛ رقمی که تقریبا معادل یارانه نقدی است که دولت در طول یک سال می‌پردازد. علاوه بر این برآورد می‌شود سالانه بین ۱۵ تا ۲۰ درصد این کمک‌ها افزایش یابد وگرنه این صندوق‌ها قادر نخواهند بود حقوق مستمری‌بگیران را پرداخت کنند و وظائف خود را انجام دهند.

https://www.donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3416508

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

جهت رفع این مشکل وکاهش هزینه قابل توجه دولت در این زمینه می‌توان به راه اندازی نهادی مستقل، جهت نظارت بر عملکرد مالی صندوق‌های بازنشستگی کشور بر اساس اصول بین المللی، برقراری حاکمیت شرکتی حداکثری در صندوق ها، تجمیع صندوق‌ها و توسعه بیمه‌های زندگی به عنوان ابزار جایگزین اشاره نمود. به طور کلی صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی می‌بایست با محدود شدن از جهت حوزه فعالیت، اقدام به واگذاری بنگاه‌های خود کرده و رویکرد خود را به جای مدیریت دارایی فیزیکی به مدیریت دارایی مالی با ریسک قابل‌تحمل تغییر دهند. همچنین به منظور بهبود آینده رفاهی اعضاء و سرمایه‌گذاری بهینه و افزایش بازدهی و جلوگیری از ایجاد کسری در صندوق‌ها و کاهش وابستگی آنها به بودجه، نیاز است تا برنامه‌ای طراحی شود که متضمن ایجاد تناسب میان پرداختی افراد در دوران اشتغال و دریافتی آنها در دوران بازنشستگی، ایجاد انعطاف در تعهدات صندوق‌ها و متناسب نمودن آنها با بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها، اصلاح ترکیب دارایی‌ها و سهم هر کدام از انواع دارایی‌ها از سرمایه‌گذاری‌های صندوق، خروج صندوق‌ها از بنگاه‌داری و تعیین تکلیف بدهی‌های دولت به صندوق‌ها باشد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸).

همچنین جهت رفع دو مشکل ناترازی در منابع و مصارف و کمبود منابع نقد برای پرداخت مستمری صندوق‌های بازنشستگی و حذف وابستگی آنها به منابع بودجه‌ای لازم است اصلاح رابطه دولت با صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی نیز به طور جامع پیگیری شود تا زمینه پایداری میان‌مدت و بلندمدت بودجه و صندوق‌های بازنشستگی به صورت هم‌زمان ایجاد شود.[۱]

۱. در این راستا سازمان مدیریت و برنامه ریزی پیشنهادهای زیر را ارایه نموده است:

در راستای ساماندهی و پایداری صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی، کاهش وابستگی صندوق‌ها به بودجه عمومی دولت و همچنین تقویت فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری سودآور با اولویت سرمایه‌گذاری در بازار پول و سرمایه، «سازمان تنظیم مقررات بیمه‌های بازنشستگی ایران» زیر نظر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان موسسه دولتی با شخصیت حقوقی مستقل جهت انجام ماموریت های زیر ایجاد شود:

الف) تنظیم عوامل موثر بر منابع و مصارف صندوق‌ها و کاهش وابستگی آنها به منابع عمومی دولت از طریق بازنگری و اصلاح شرایط احراز، زمان بهره‌مندی، نظام امتیازبندی بازنشستگی، تعیین مشاغل سخت و زیان‌آور، میزان و ترکیب نرخ حق بیمه، افزایش سنواتی، چگونگی اصلاح ساختار صندوق‌های بازنشستگی و اعمال نظارت راهبردی بر امور بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

٤-۲-۱-۳. اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ی تولید، کالاهای اساسی و حامل‌های انرژی

کاماندر[1] (۲۰۱۲) نشان داده است که کشورهای دارای کیفیت نهادی پایین‌تر تمایل به پرداخت یارانه انرژی بالاتری دارند. بر اساس گزارش‌های موجود حجم یارانه در اقتصاد ایران نیز در مقایسه با اندازه اقتصاد بسیار زیاد می‌باشد.[2] اگر برای رفع این مشکل توصیه سیاستی مورد نیاز باشد که برجستگی نهادی بیشتری داشته باشد، به نظر می‌رسد اصلاح نظام قیمت‌ها سیاست مناسب‌تری از سیاست تک نرخی کردن حامل‌های انرژی و کالاها است (دینی ترکمانی، ۱۳۸۹). با پیگیری این سیاست امکان ایجاد نهادهای انتقالی جهت تبدیل اقتصاد از یک اقتصاد یارانه محور به یک اقتصاد بدون یارانه فراهم می‌گردد. همچنین در این راستا اصلاح نظام هدفمندی یارانه‌ها (یارانه نقدی، یارانه

ب) ساماندهی و اصلاح معافیت‌های بیمه‌ای در جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی، یکپارچگی رویه‌های اجرایی صندوق‌های بازنشستگی در جهت اصلاح فرآیندها و بهبود خدمات‌رسانی به جامعه هدف و بهبود نظام سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی.

- سازمان برنامه و بودجه میزان و شیوه پرداخت تعهدات مالی سالانه دولت به صندوق تأمین اجتماعی را قاعده‌مند و شفاف نموده و در سند بودجه منعکس کند.
- با توجه به عدم کفاف منابع درآمدی دولت، ایجاد هر گونه معافیت یا امتیاز در حوزه تأمین اجتماعی که بار مالی جاری و یا آتی برای دولت دارد، بدون تمهید و تدارک منابع درآمدی پایدار و کافی توسط مجلس شورای اسلامی یا هیأت دولت ممنوع شود.
- از آنجا که ۳ درصد حق بیمه موضوع بند (۱) ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی یکی از عوامل ایجاد بدهی دولت به صندوق تأمین اجتماعی است، لازم است قواعد میزان مشارکت دولت در این مورد بازتعریف شود.
- با توجه به پایداری تعهدات دولت به سازمان تأمین اجتماعی، بخشی از منابع درآمدی ایجاد شده ناشی از انجام اصلاحات اقتصادی اعم از افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت انرژی یا درآمدهای مالیاتی و غیره به ساماندهی و ایفای تعهدات مالی دولت به تأمین اجتماعی اختصاص یابد.
- اصلاح و نظارت بر مصادیق گروه‌های هدف مشمول طرح‌های مختلف تأمین اجتماعی در یک زمان‌بندی مشخص صورت پذیرد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸).

1. Commander.

۲ . بررسی‌های سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که در سال، حدود ۹۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه در بخش بودجه‌ای، فرابودجه‌ای و یارانه پنهان وجود دارد؛ از این رقم حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان به حوزه انرژی و نفت و مشتقات آن اختصاص دارد که ۲۱۵ هزارمیلیارد تومان آن متعلق به بنزین است. بنابراین از ۹۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهانی که در سال پرداخت می‌شود حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان نیزبه یارانه بودجه‌ای وفرا بودجه‌ای تعلق دارد. همچنین می بایست یارانه کالاهای اساسی را نیز به این مبالغ اضافه نمود. به عبارت دیگر در حال حاضر نزدیک به ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی اسمی یارانه پرداخت می‌گردد که بسیار قابل توجه می باشد.

(https://www.isna.ir/news/97103015880/)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

طرح تحول سلامت، یارانه کشاورزی و یارانه تولید) با رویکرد حذف یارانه خانوارهای برخوردار ضروری است. افزایش ضریب اصابت یارانه‌های معیشتی و تولیدی به گروه‌های هدف منجر به بهبود کارایی سیاست‌های حمایتی دولت می‌شود و به توزیع عادلانه منابع دولت می‌انجامد. همچنین بهبود سیاست‌های یارانه‌ای منجر به کاهش فشار بر بودجه دولت شده و از تبعات تورمی احتمالی جلوگیری می‌کند. این اصلاح همچنین به بهبود الگوی مصرف و تولید کمک می‌کند. همچنین با توجه به استفاده از سیاست‌های ارزی جهت اعمال سیاست حمایتی در کشور در سال‌های اخیر و آسیب‌های اعمال چنین سیاست‌هایی بر اقتصاد کشور به نظر می‌رسد به منظور بهبود ضریب اصابت یارانه پنهان پرداختی به کالاهای اساسی و استقلال سیاست ارزی از سیاست حمایتی به‌ویژه در شرایطی که تحریم جریان ارزی کشور را با محدودیت‌هایی مواجه کرده، می‌بایست شیوه کنونی تخصیص یارانه به این کالاها اصلاح شود. پیشنهاد می‌شود به‌جای تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی، یارانه موجود در ارز، از طریق کالابرگ اعتباری و وام سرمایه در گردش به مصرف‌کننده نهایی و تولیدکننده داده شود و با انتقال مرحله‌بندی شده تقاضای ارز کالاهای اساسی به بازار ارز یکپارچه بر عمق آن افزوده شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد یارانه به طور کلی به جای بخش تولید به مصرف کنندگان اعطا شود تا بر اساس نیاز واقعی خود و نیز کیفیت مطلوب تولیدکنندگان در یک فضای رقابتی، انتخاب کنند و از این طریق کمترین اختلال را در انگیزه بنگاه‌ها و نیز بانک‌ها ایجاد کرده، از ایجاد بار مالی جدید برای دولت و بانک‌ها اجتناب شود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸).[۱]

۵-۲-۱-۳. استقرار سامانه‌های شفاف سازی مخارج دولت و مبارزه با رانت‌جویی

طبق تعریف رانت‌جویی عبارت است از تلاش‌های قانونی (لابی‌گری) و غیرقانونی (رشوه‌دهی) فعالین سیاسی و اقتصادی جهت کسب رانت. تلاش عوامل رانت‌جو جهت بهره‌برداری از فرصت‌های بالقوه کسب منفعت از دولت به عنوان منبع عظیم رانت، موجب نفوذ گسترده آنان به انحای متفاوت در دولت و تغییر قواعد بازی و ساختار سازمانی دولت در جهت تأمین منافع عوامل سیاسی و اقتصادی رانت‌جو می‌گردد که در نتیجه آن اقتدار دولت بیش از پیش کاهش و در نهایت چارچوب

۱. اعطای گسترده وام مسکن به خریداران یکی از مثال‌های این پیشنهاد است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

نهادی- ساختاری طی فرآیند زمانی به سمت ناکارایی و تشویق بیشتر فعالیت‌های رانت‌جویی نامولد نسبت به فعالیت‌های اقتصادی مولد سوق می‌یابد. تحت چنین شرایطی دستیابی به چرخه رانت، نسبت به کارایی تولید اهمیت بیشتری می‌یابد. با توجه به مطالعات موجود، تمایلات رانت‌جویانه و ضدتولیدی، رفتار اقتصادی را تغییر داده و تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های اقتصادی را منحرف ساخته و رفتار عوامل اقتصادی در سطح سازمانی در راستای رقابت برای کسب هرچه بیشتر رانت، شکل خوهد گرفت، بنابراین فعالیت‌های تولیدی از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشند.در واقع انگیزه برای کارآفرینی در زمینه‌های تولیدی اقتصاد تضعیف گردیده و کارآفرینان اقتصادی ترجیح می‌دهند تا با سوء استفاده از نهادهای ضعیف، رانت بالایی را کسب نمایند و از فعالیت‌های تولیدی که درآمد نسبی کمتری خواهند داشت، خارج گردند (مهرآرا و همکاران، ۱۳۸۹). منبع بسیاری از رانت‌های موجود در اقتصاد ایران تصمیمات دولت و نقش تعیین‌کننده دولت در اقتصاد است. وجود چنین رانت عظیمی سبب می‌گردد که فعالان اقتصادی به جای بهینه کردن فرآیندهای کاری خود و خلق ارزش افزوده به دنبال رفتارهای رانت‌جویانه بروند. چنین رفتارهای رانت‌جویانه و بعضاً غیرقانونی سبب می‌گردد که برخوردهای قهری با این افراد در دستور کار قرار بگیرد. رویکرد اصلی نهادی جهت مقابله با رانت جویی، افزایش شفافیت می‌باشد. این نیرو کمک می‌کند تا سیاست‌های اقتصادی مطلوب انتخاب شده و با فساد و ناکارامدهای احتمالی دولت در ارایه خدمات عمومی مقابله شود. شفافیت می‌تواند نهادهای بومی کارآمد را که صلاحیت لازم برای اتخاذ سیاست‌های صحیح کارشناسی برخوردارند را بسازد (گزارش سیاستی بانک جهانی[1]، ۲۰۱۶). از این رو می‌بایست شفافیت حداکثری، پارادایم حاکم بر اصلاحات ساختاری بودجه جهت اطمینان از حمایت عموم مردم از اصلاحات و جلوگیری از بروز و ایجاد فساد و رانت باشد زیرا یک بودجه خوب و نظام بودجه‌ریزی مناسب باید پنج ویژگی «انضباط مالی، شفافیت، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی» را متجلی سازد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸). از این رو پیشنهاد می‌شود افزایش شفافیت به صورت کلی در تمام معاملات بخش عمومی، انتصابات در دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های

1. Making Politics Work for Development: Harnessing Transparency and Citizen Engagement

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و دارایی و درآمد مقامات و مدیران از طریق ابزارهای الکترونیک پیگیری شود.

۲-۳. پیاده‌سازی قواعد مالی مشخص

نتایج مطالعات موجود حاکی از ضرورت طراحی قواعد مالی برای جلوگیری از افزایش اندازه دولت و بی‌ثباتی‌های مالی است که این قواعد می‌توانند محدودسازی مداخلات سیاسی یا بهبود کارکرد نهادهای بودجه‌ای و مدیریت بخش عمومی را تعقیب کنند (قاسمی و مهاجری، ۱۳۹۴). بنا به تعریف، قاعده مالی برنامه‌ای است که در آن میزان مخارج دولت در طی یک برنامه چند ساله و نیز میزان کسری بودجه و انباشت بدهی‌های دولت به صورت مشخص تعیین می‌شود. همچنین بر اساس قاعده مالی، میزان کسری بودجه‌های سالانه و تعهدات دولت با قاعده مشخص، شکل می‌گیرند. از سوی دیگر، نحوه ایجاد و تأمین مالی کسری بودجه دولت به عنوان مؤلفه اصلی قاعده مالی، جزء سیاست‌های ثبات‌ساز اقتصاد کلان بوده که باید مورد توجه قرار گیرد. در صورت عدم تعریف قاعده مالی مشخص، با فشاری که طی زمان به نظام پولی کشور وارد می‌شود، اقتصاد وارد بحران تورم بالا، جهش نرخ ارز و بی ثباتی اقتصاد کلان می‌شود. در ایران نیزنعیین قاعده بدهی به عنوان قاعده مالی در قانون برنامه پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعریف و تبیین شده است. به‌گونه‌ای که مطابق با ماده (۸) قانون برنامه ششم، دولت موظف است شاخص نسبت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی را در سطح ۴۰ درصد حفظ نماید. البته در تبصره‌های این ماده افزایش این نسبت می‌تواند با تشخیص وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیئت وزیران به ۴۵ درصد و یا حتی در مواقع اضطراری با تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت محدود به ۵۰ درصد افزایش یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد قواعد مالی تعریف شده در ایران، طی سال‌های اخیر نتوانسته به اهداف خود در زمینه باثبات‌سازی اقتصاد دست یابند. به عبارت دیگر بررسی عملکرد گذشته دولت در اقتصاد ایران و برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که سیاست‌های مالی متناسب با برنامه‌های توسعه اجرا نشده است و به تبع این عدم اجرا صحیح سیاست‌های مذکور، قواعد مالی تأکید شده به درستی رعایت نگردیده است (توکلیان و صیامی، ۱۳۹۹). از این رو به نظر

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

می‌رسد سیاستگذاران مالی می‌بایست علاوه بر تبیین قواعد مالی در قوانین توسعه کشور و تعیین سقف مجاز برای میزان نسبت بدهی بر تولیدناخالص داخلی، اندازه این شاخص را به صورت دوره‌ای (ماهیانه یا فصلی) پایش و گزارش آن را به صورت مستمر در اختیار مجلس و نهادهای ناظر قراردهند. در این راستا تسریع در تصویب قانون مدیریت بدهی‌های عمومی[۱]، به عنوان یک نوآوری نهادی می‌تواند در این زمینه مثمر ثمر باشد.

۳-۳. اصلاح ساختار صندوق توسعه ملی به منظور کنترل تکانه‌های نفتی

صندوق‌های ثروت ملی، صندوق‌های پس‌اندازی هستند که توسط افرادی که مسئولیت مدیریت دارایی‌های خارجی را بر عهده دارند، کنترل می‌شود و اهدافی نظیر ایجاد ثبات در میزان درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی، تبدیل دارایی‌های مازاد به دیگر انواع ذخایر و توسعه فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری و تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح‌های تولیدی و کارآفرینی بخش غیردولتی و همچنین اهداف بین نسلی را مدنظر قرار می‌دهند (مهرآرا و همکاران، ۱۳۸۹). در ایران نیز در ابتدا با تشکیل حساب ذخیره ارزی به نقش تثبیت‌ساز این صندوق توجه گردید ولی در ادامه با تشکیل صندوق توسعه ملی اهمیت مباحث توسعه‌ای و بین نسلی پررنگ شده است. مجموع تجربه این دو نهاد بیانگر آن است که جهت جلوگیری از آثار مخرب تورمی و رکودی ناشی از افزایش یا کاهش درآمدهای نفتی که منجر به بروز نوسان و شوک در بودجه دولت و کل اقتصاد، طی سال و بین سال‌های مختلف می‌شوند، لازم است تا یک نهاد ثبات‌ساز درآمدهای نفتی در اقتصاد کلان

۱. هدف اولیه طراحی نهادی جهت مدیریت بدهی عمومی ایجاد اطمینان نسبت به تامین نیازهای مالی دولت و بازپرداخت تعهداتش با کمترین ریسک و هزینه ممکن در افق زمانی میان‌مدت و بلندمدت می باشد. البته اهداف ثانویه نظیر ساماندهی، حفظ و توسعه و تنظیم بازار شفاف، منصفانه و کارای اوراق بهادار دولت، ارتقای ظرفیت تامین مالی دولت از طریق بکارگیری رویه‌های مناسب در حوزه مدیریت بدهی عمومی با هدف تاثیر مثبت بر فضای کسب و کار، رشد و ثبات اقتصادی، مدیریت و نظارت موثر بر ایجاد بدهی‌های عمومی (اعم از بدهی‌های قطعی، صریح، ضمنی و احتمالی)، ارتقای نظام حسابداری، گزارشگری و پاسخگوئی دولت برای بهبود انضباط، سلامت و شفافیت نظام مالی در حوزه بدهی‌های عمومی، همسویی رویه‌های مدیریت مالی عمومی از جمله بودجه ریزی، مدیریت نقدینگی، حسابداری، گزارشگری و حسابرسی با فرایندهای مدیریت بدهی و همسویی و هم افزایی سیاست‌های پولی و مالی کشور با سیاست مدیریت بدهی را نیز می‌توان برای این موضوع در نظر گرفت. پیش نویس لایحه قانون مدیریت بدهی های عمومی از طریق لینک زیر قابل دریافت می باشد.http://bit.ly/2E4sFid

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

کشور وجود داشته باشد. در صورت نبود چنین نهادی، افزایش درآمدهای نفتی علاوه بر تشدید بیماری هلندی از طریق کاهش نرخ ارز حقیقی، منجر به انبساط بودجه و ایجاد هزینه‌هایی برای دولت توسط سیاست‌مداران می‌شود که تعهدآور هستند و حتی در صورت کاهش درآمدهای نفتی لزوماً قابل کاهش نیستند. کاهش درآمدهای نفتی همچنین منجر به کسری بودجه و سپس افزایش تورم می‌شود. از سوی دیگر سیاست‌های پولی و ارزی کشور نیز نباید نسبت به نوسانات درآمدهای نفتی منفعل باشند و باید فعالانه مقابله نمایند. بنابراین لازم است اولاً با اصلاح رابطه درآمدهای نفتی با بودجه دولت، صندوق توسعه ملی و شرکت ملی نفت نسبت به هموارسازی ورودی این درآمدها و توزیع ریسک‌های مختلف بین این نهادها اقدام شود و ثانیاً میزان ارز مورد استفاده در کل اقتصاد نیز توسط نهادی که پیشنهاد می‌شود صندوق توسعه باشد، تحت نظارت قرار گیرد. در این راستا باید نقش صندوق توسعه بازتعریف شده و علاوه بر نقش توسعه‌ای، نقش ثبات‌سازی را نیز ایفا نماید. به این صورت که هم بودجه دولت را نسبت به شوک‌های نفتی بیمه نماید و هم میزان ورود ارز حاصل از صادرات نفت به کشور را به منظور مدیریت بازار ارز هموار کند. با توجه به وجود تجربه گسترده در تشکیل این‌گونه صندوق‌ها در کشورهای مختلف، استفاده از آسیب‌شناسی‌ها و تجربیات موفق موجود بسیار مثمر ثمر خواهد بود. در این راستا به طور ویژه می‌توان به اصول سانتیاگو اشاره نمود. معتمدی (۱۳۸۸)، با نگاهی بر اصول سانتیاگو [۱] به ضرورت تجدید ساختار نهادهای مدیریتی صندوق

۱. اصول مربوط به سیاست‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک بر اساس اصول سانتیاگو عبارتند از:

ـ الزام به اتخاذ سیاست سرمایه‌گذاری صریح و سازگار با اهداف تعریف شده، تعیین محدوده ریسک و راهبرد سرمایه‌گذاری و تشریح سیاست سرمایه‌گذاری در معرض نمایش و اعلام عمومی.

ـ الزام به اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری مبتنی بر حداکثر سازی بازدهی مالی تعدیل شده با ریسک همراه با ترتیبات سازگار با سیاست سرمایه‌گذاری و مبتنی بر شرایط مالی و اقتصادی.

ـ ممنوعیت در بهره‌مندی از اطلاعات خاص صندوق، همچنین ممانعت از تاثیرگذاری نامطلوب دولت در رقابت با بخش خصوصی.

ـ الزام به رعایت حقوق مالکیت سهامداران (مردم) مطابق با سیاست سرمایه‌گذاری صندوق و اعلام عمومی سیاست رأی‌گیری صندوق.

ـ الزام به داشتن چارچوبی جهت ارزیابی عملکرد، با معرفی ابزارهای مدیریت ریسک و نگرش مبتنی بر آن و اطلاع رسانی عمومی از نتایج آن.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

توسعه ملی پرداخته است. در این مطالعه اشاره شده است که می‌بایست از تجارب بین‌المللی در مدیریت صندوق‌های ثرت ملی و غفلت‌های خود در کارکرد حساب ذخیره ارزی جهت تجدید ساختار نهادی در مدیریت صندوق توسعه ملی استفاده شود. همچنین باید توجه داشت موفقیت صندوق در گرو استقلال مدیریت منابع صندوق از دولت یا بانک مرکزی نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد، نوع مدیریت و شفافیت در انجام آن، التزام عملی به قواعد سرسختانه لحاظ شده برای صندوق و همچنین وجود دیدگاه بین‌نسلی در مدیریت منابع است و در صورت عملیاتی شدن چنین رویکردی نباید نگرانی در زمینه ماهیت مدیریت صندوق وجود داشته باشد (توکلیان، ۱۳۹۴). با توجه به موارد فوق‌الذکر برای استفاده هر چه بیشتر از صندوق توسعه ملی، نیاز است که اساس‌نامه صندوق با محوریت موارد فوق اصلاح شود به نحوی که کل درآمدهای نفتی کشور وارد این صندوق گردیده و تخصیص بهینه‌ای جهت دستیابی به اهداف بین نسلی و اهداف ثبات‌ساز صورت پذیرد تا از تورش در رفتار سرمایه‌گذاری این نهادها و تصمیم‌گیری بر اساس مسائل سیاسی و غیراقتصادی جلوگیری شود.

٤-۳. استقلال کافی و با کیفیت بانک مرکزی به منظور مدیریت سلطه مالی

سلطه مالی از مسائل مطرح در اقتصاد کشورهای در حال توسعه است، به طوری که در این کشورها معمولاً سیاست‌های پولی تحت تأثیر سیاست مالی قرار گرفته و دولت‌ها در راستای جبران کسری بودجه خود، از بانک مرکزی و سیستم بانکی استقراض می‌نمایند و بدین ترتیب مانع از اجرای سیاست‌های پولی موفق و کارامد در کنترل تورم می‌گردند. علیرغم اینکه نماگرهای استانداردی برای شناسایی علایم سلطه مالی وجود دارد، اما در کشورهای صادرکننده نفت همانند ایران که بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت وابسته بوده و متغیرهای مهم کلان اقتصادی نیز تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار می‌گیرد، چنین نماگرهای استانداردی دیگر نمی‌توانند به عنوان معیار مناسبی برای شناسایی سلطه مالی قرار گیرند و سلطه مالی حتی ممکن است با وجود مازاد

ـ الزام به اندازه‌گیری و محاسبه ارزش دارایی‌ها و عملکرد صندوق در سرمایه‌گذاری‌ها و گزارش به صاحبان سهام (مردم)، مطابق با اصول و استانداردهای که به روشنی تصریح شده‌اند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

بودجه و سطح پایین بدهی‌های دولتی نیز وجود داشته باشد. سلطه مالی در اقتصاد ایران طی سال‌های طولانی حاکم بوده و دولت همواره به منظور تأمین مالی کسری بودجه از بانک مرکزی استقراض کرده و این امر در نهایت موجب انبساط پولی در اقتصاد شده است. لذا، می‌توان وجود سلطه مالی در اقتصاد ایران را یکی از عوامل ناکارامدی سیاست‌های اتخاذ شده توسط مقامات پولی در کنترل تورم دانست (اصغرپور و همکاران، ۱۳۹۴).

همچنین بررسی لوایح و قوانین بودجه سنواتی نشان می‌دهد سیاست مالی از طریق اعمال تکالیف ناکارامد متعدد به نظام پولی و بانکی نظیر الزام به خرید درآمدهای ارزی دولت، تعیین نرخ ارز، دخالت در مصارف صندوق توسعه ملی، ایجاد خطوط اعتباری جدید، تکالیف اعتباری بر شبکه بانکی و... موجب شده است سیاست‌گذاری پولی و ارزی توسط بانک مرکزی با ناکارایی مواجه شود و عملاً بانک مرکزی نتواند به وظایف قانونی خود عمل نماید (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۴).

در حال حاضر نیز شرایط تحریمی از یک طرف، درآمدهای ارزی کشور را با کاهش و عدم‌قطعیت مواجه می‌کند و از طرف دیگر، افزایش هزینه‌ها ناشی از افزایش نرخ ارز، تورم و برنامه‌های حمایتی دولت از معیشت، تولید و اشتغال، می‌تواند منجر به این امر گردد که اجرای بودجه در ساختار پیشین و مواجهه منفعلانه، امکان مقابله با چالش‌های موجود را محدود کند و کسری بودجه محتمل، منجر به دست‌اندازی به شبکه بانکی شود؛ پدیده‌ای که نتیجه محتمل آن تشدید تورم است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸).

سلطه مالی از دو منظر قابل بررسی است: سلطه مالی نهاد دولت بر بانک مرکزی و سلطه مالی نهاد دولت بر سیستم بانکی. از این رو جهت حذف یا کاهش سلطه مالی نهاد دولت بر بانک مرکزی که موجب ایجاد اختلال در نظام پولی و بانکی و ایجاد تورم مزمن و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود، لازم است تا روابط نهادی دولت با نظام مالی کشور اصلاح شود. در راستای کاهش سلطه بودجه بر نظام پولی از جنبه‌های نهادی، شامل تکالیف مجلس و دولت به بانک مرکزی، لازم است تا استقلال بانک مرکزی محقق شده و تضاد منافع در ساختار بانک مرکزی از بین برود. از جنبه‌های ساختاری نیز لازم است تا نحوه ریالی شدن درآمدهای نفتی دولت، رابطه دولت با بانک‌ها و ایجاد ابزارهای کافی در بازار پول و عملیات‌های استاندارد جهت اعمال سیاست‌گذاری پولی در بانک مرکزی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

اصلاح شود. در صورت نبود چنین ساختارها و نهادهایی، بازارهای مالی و بدهی کشور عمیق نشده و دولت از این امکان بزرگ بی‌بهره می‌شود.

جهت کاهش سلطه مالی و فشار مالی دولت به نظام بانکی و نیز بهبود شرایط نظام بانکی کشور، لازم است تا از یکسو روابط فی‌مابین دولت و بانک مرکزی بازنگری شود تا نظام بودجه‌ای، مالی، پولی و بانکی کشور، در یک پارادایم جدید بازتعریف شود و بدین ترتیب علاوه بر تأمین استقلال واقعی بانک مرکزی و اصلاحات نهادی و ساختاری مربوطه، دولت نیز بتواند از بازار پولی و مالی عمیق و توسعه یافته جهت توسعه کشور استفاده نماید. از سوی دیگر نیز باید با مدیریت بدهی‌های دولت در بازار پولی و مالی، اقدام به کنترل هزینه‌های بودجه و نیز خارج کردن اقتصاد از رکود نمود.

بدهی‌های دولت در ترازنامه بانک‌ها می‌تواند به‌صورت اوراق مالی اسلامی به فروش برسد و از ترازنامه بانک‌ها خارج شود. با این اقدام و با توجه به تخفیف معضل نقدینگی بانک‌ها و افزایش قدرت وام‌دهی شبکه بانکی، مشکل بخش قابل‌توجهی از بنگاه‌های اقتصادی رفع می‌شود. جهت مدیریت نقدینگی، کنترل نرخ اوراق دولت و نرخ‌های سود در بازار پول و بدهی، لازم است تا بانک مرکزی اجرای عملیات بازار باز را پس از اصلاح ترازنامه بانک‌ها آغاز نماید. این اقدام علاوه بر آنکه قدرت مدیریت نقدینگی را به بانک مرکزی می‌دهد، موجب می‌شود نرخ تأمین مالی دولت کاهش یابد و لذا هزینه‌های دولت به شدت کاهش می‌یابد. در راستای عملیاتی نمودن موارد فوق می‌توان راهکارهای اجرایی زیر را برای ایران پیشنهاد نمود:

- تعیین نرخ ارز از قانون بودجه به عنوان یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری پولی و ارزی خارج و به بانک مرکزی محول شود.
- تا حد امکان تکالیف مختلف بر بانک مرکزی به ویژه در زمینه ایجاد خطوط اعتباری، حذف شود.
- با توجه به کارایی پایین و عملکرد نه چندان مطلوب تکالیف و تبصره‌های ناظر بر تسهیلات تکلیفی، بهتر است نهادهای حاکمیتی به کمک بانک مرکزی رویه تسهیلات تکلیفی را از حالت تبصره‌ای در قانون بودجه به حالت ایجاد احکام ثابت و نظارت بر فرایندهای اعطای تسهیلات تغییر دهند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

- در خصوص تسهیلات تکلیفی و تسهیلات اقشار نیازمند، سیاست‌های مناسبی برای تأمین منابع مالی در کنار منابع شبکه بانکی اتخاذ گردد تا تکالیف متعدد نظام بانکی منجر به بی‌انضباطی در عملکرد بانک‌ها و اضافه برداشت از بانک مرکزی نگردد.
- مجموعه احکام مرتبط با نظام پولی، ارزی و اعتباری به‌نحوی تنظیم گردد که اختیارات و مسئولیت‌های بانک مرکزی در سیاست‌گذاری و انتخاب ابزارهای مناسب سیاستی جهت کنترل تورم و ایجاد انضباط پولی تقویت شود وموجب سلطه سیاست مالی برپولی نگردد.
- هرگونه حکم یا پیشنهادی که منجر شود حل مشکلات مالی دولت از طریق تضعیف ارزش پول ملی صورت پذیرد، باید از قانون بودجه حذف گردد.
- کل کسری بودجه پنهان دولت به‌ویژه در حوزه پولی، ارزی و بانکی در قانون بودجه شفاف و مشخص شود تا بانک مرکزی بتواند متناسب با آن سیاستگذاری پولی، اعتباری و ارزی خود را طراحی و اجرا نماید (همان).

٤. جمع بندی

در ادبیات اقتصادی، کیفیت نهادی و عوامل اثرگذار بر تغییرات آن، به یکی از موضوعات مهم در دستیابی به رشد اقتصادی کشورها تبدیل شده است. بر اساس این مطالعات کیفیت نهادی ماهیت چرخه‌های تجاری و رفتار پویای متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان را متأثر می‌سازد به نحوی که بهبود کیفیت نهادی از طریق افزایش فعالیت‌های مولد، کاهش هزینه مبادله تولید، ارتقای بهره‌وری، افزایش سرمایه‌گذاری و اثرگذاری سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی موجب افزایش مصرف خصوصی، مخارج دولت و تولید غیرنفتی در ایران خواهد شد (دهقان منشادی و همکاران، ۱۳۹۹). از این‌رو، شناسایی عوامل تعیین‌کننده کیفیت نهادی و به طور خاص کیفیت حکمرانی، امکان اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت افزایش کیفیت حکمرانی را فراهم می‌کند (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از عوامل اثرگذار بر کیفیت نهادی در کشورهای صادرکننده نفت نظیر ایران، درآمدها و تکانه‌های نفتی می‌باشد. یافته‌های تحقیقات بیانگر آن است که اثر درآمدها و تکانه‌های نفتی بر کیفیت نهادی در ایران منفی است به نحوی که درآمدهای نفتی و تکانه‌های آن با تخریب کیفیت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

نهادی کشور به ایجاد اثرات مخرب بر تولید غیرنفتی ایران در بلندمدت می‌انجامد. به عبارت دیگر اثر تکانه‌های نفتی بر تخریب کیفیت نهادی ایران در مطالعات موجود، مورد پذیرش قرار گرفته است، لذا ضروری است تخریب نهادی تکانه‌های نفتی کنترل گردد. بررسی‌های این تحقیق نشان می‌دهد کمتر مطالعه‌ای در حوزه سیاست‌گذاری با تأکید بر کنترل تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در دسترس می‌باشد. از این رو این مقاله با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، به معرفی نوآوری‌های نهادی کنترل‌کننده تخریب نهادی تکانه‌های نفتی در ایران پرداخت. بدین منظور اصول مربوط به ثبات اقتصاد کلان، مدیریت ریسک، حکمرانی خوب و انضباط مالی مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس نتایج این تحقیق، اصلاح ساختار بودجه در جهت کاهش وابستگی مستقیم به درآمدهای نفتی با تأکید بر اصول درآمدزایی پایدار و هزینه‌کرد کارا، از طریق اصلاح نظام مالیاتی، توسعه بازار بدهی، مدیریت و مولدسازی دارایی‌های دولت، اصلاح ساختار صندوق توسعه ملی، استقرار نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد (عملیاتی)، اصلاح نظام پرداخت یارانه کالاهای اساسی و حامل‌های انرژی واصلاح ساختار صندوق‌های بازنشستگی در کنار پیاده‌سازی قواعد مالی مشخص و مدیریت آثار کسری بودجه دولت بر ترازنامه نظام بانکی و نقدینگی (مدیریت سلطه مالی) از طریق استقلال کافی و با کیفیت بانک مرکزی، مهمترین نوآوری‌های نهادی در راستای کنترل تخریب کیفیت نهادی تکانه‌های نفتی در ایران می‌باشند. لذا پیشنهاد می‌گردد اجرای این اصلاحات نهادی به صورت جدی مورد پیگیری قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد اثر اجرای این نوآوری‌های نهادی در ایران به صورت کمی الگوسازی و مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

اسلاملوئیان، کریم و محبوبه جعفری (۱۳۹۶)، "برآورد اثر انرژی تجدیدناپذیر بر کیفیت نهادی و تولید در اقتصاد ایران: کاربرد الگوی وضعیت- فضا"، *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، دوره ۱۳، شماره ۵۳، صص ۳۳-۱.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

اسماعیلی رزی، حسین، ابراهیمی، بهنام و شیرین شیرعلی (۱۳۹۴)، "تأثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر تغییر کیفیت نهادی"، *سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۰۸-۸۱.

اصغرپور، حسین؛ سلمانی، بهزاد و کامران نیکی اسکویی (۱۳۹۴)، "تحلیل تجربی سلطه مالی در اقتصاد ایران: رویکرد خودتوضیح برداری ساختار"، *سیاست گذاری اقتصادی*، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۱۶۲-۱۳۳.

بهبودی، داود؛ اصغرپور، حسین و نویده محمدلو (۱۳۹۱)، "نقش کیفیت نهادی بر رابطه وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی: مورد اقتصادهای نفتی"، فصلنامه *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۲۰، شماره ۶۲، صص ۱۱۶-۹۵.

توکلیان، حسین (۱۳۹۴)، "اصلاح ساختار در صندوق توسعه ملی"، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره۳۵۷۴.

توکلیان، حسین و ابراهیم صیامی عراقی (۱۳۹۹)، "تعیین قاعده مالی برای دولت در اقتصاد ایران با استفاده از رویکرد الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی"، *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۳۹-۱.

حاجی‌دولابی، هدی (۱۳۹۶)، "افزایش سهم بازار بدهی در تأمین مالی اقتصاد ایران، فرصت‌ها، چالش‌ها"، *فصلنامه روند*، دوره ۲۴، شماره ۸۰، صص ۱۱۲-۸۱.

حیدری، حسن و حسن ملابهرامی (۱۳۹۳)، "شوک‌های نفتی و سیاست پولی در ایران: شواهدی بر پایه یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی"، *فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی*، دوره ۷، شماره۱۹، صص۶۷-۵۱.

دتر، داگ و استفان فولستر (۱۳۹۶)، *ثروت عمومی ملل، مدیریت دارایی‌های عمومی، عامل تقویت یا تضعیف رشد اقتصادی*، ترجمه: خیرخواهان، جعفر،تهران، *معاونت امور اقتصادی - وزارت امور اقتصادی و دارایی*.

دفتر مطالعات بخش عمومی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۹۷)، *بررسی فرآیند دادرسی مالیاتی در ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود آن*، گزارش کاری.

دفتر مطالعات بخش عمومی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۹۷)، *بررسی علل و پیامدهای فرار مالیاتی و برآورد آن در اقتصاد ایران*، گزارش کاری.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

دهقان منشادی، محمد، اسلاملوئیان، کریم، هدیان ابراهیم و زهرا دهقان شبانی (۱۳۹۹)، "اثر تغییرات کیفیت نهادی ناشی از تکانه‌های نفتی بر پویایی اقتصاد کلان ایران"، *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)*، دوره ۲۰، شماره ۳، صص ۱۴۴-۱۱۱.

دهقان منشادی، محمد؛ اسلاملوئیان، کریم؛ هادیان، ابراهیم و زهرا دهقان شبانی (۱۳۹۹)، "اثر کیفیت نهادی بر چرخه تجاری و رفتار پویای متغیرهای کلان اقتصادی: مورد ایران"، *اقتصاد و الگو سازی*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۲۶-۵۰.

دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۹)، "یارانه‌ها: اختلال‌های قیمتی، ناکارایی‌های نهادی ساختاری"، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۳۲۸-۲۹۳ .

رضاقلی‌زاده، مهدیه؛ آقایی، مجید و امیرحسین عالمی (۱۳۹۸)، "تحلیل فرار مالیاتی در ایران به روش شاخص چندگانه- علل چندگانه(MIMIC) "، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، دوره ۲۷، شماره ۹۷، صص ۲۲۶-۱۹۱.

رضایی، محمد؛ یاوری، کاظم؛ عزتی، مرتضی و منصور اعتصامی (۱۳۹۴)، "بررسی اثر وفور منابع طبیعی (نفت و گاز) بر سرکوب مالی و رشد اقتصادی از کانال اثرگذاری بر توزیع درآمد"، *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۲۲-۸۹.

سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۸)، چارچوب اصلاح ساختاری بودجه با رویکرد قطع وابستگی مستقیم بودجه به نفت، گزارش کاری.

سلمانی، بهزاد؛ بهبودی، داود؛ اصغرپور، حسین و سیاب ممی پور (۱۳۹۱)، "اثر بی‌ثباتی درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی ایران با تأکید بر حساب ذخیره ارزی"، *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، دوره ۷، شماره ۱۴، صص ۱۲۸-۱۰۳.

شهبازی، موسی؛ روحانی، سیدعلی و صمد عزیزنژاد (۱۳۹۴)، "تحلیل سلطه مالی بر سیاست‌های پولی در اقتصاد ایران: مطالعه موردی قوانین بودجه سنواتی"، *فصلنامه سیاست‌های مالی واقتصادی*، دوره۳، شماره ۱۲، صص ۲۸-۷.

عرب مازار، عباس؛ ایزدخواستی، حجت و سعید بیگ محمدی (۱۳۹۹)، "بررسی اثرات عوامل مؤثر بر کیفیت حکمرانی در کشورهای دارای رانت منابع طبیعی: رویکرد معادلات همزمان پانل دیتا"، *اقتصاد و الگو سازی*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۵۵-۱۲۶.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

فدایی، ایمان و بهناز کمیاب (۱۳۹۷)، *بررسی علل و پیامدهای فرار مالیاتی و برآورد آن در اقتصاد ایران*، گزارش کاری، *دفتر مطالعات بخش عمومی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی*.

فلاحتی، علی؛ فتاحی، شهرام؛ حیدری دیزگرانی، علی و نعیم شکری (۱۳۹۶)، "بررسی پایداری مالی و شوک‌های مالی گذرا در اقتصاد ایران"، *اقتصاد مالی*، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۱۵۴-۱۲۳.

فیضی ینگجه، سلیمان؛ حکمتی فرید، صمد و صبا یحیوی میاوقی (۱۳۹۶)، "تأثیر رانت منابع نفتی بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب در کشورهای صادرکننده نفت"، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۲۲، شماره ۷۱، صص ۲۱۸-۱۸۹.

قاسمی، محمد و پریسا مهاجری (۱۳۹۴)، " قواعد مالی مناسب برای سیاستگذاری مالی در ایران"، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، دوره ۲۰، شماره ۲، صص ۸۴-۵۹.

کمیجانی، اکبر؛ کاوند، حسین و حسین عباسی‌نژاد (۱۳۸۹)، "فقدان استقلال در سیاست پولی و نقش نوسانات قیمت نفت بر سیاست‌های پولی و مالی در ایران"، *فصلنامه سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۱۶، شماره ۷۸، صص ۳۲-۳.

محسنی زنوزی، سیدجمال‌الدین؛ شهبازی، کیومرث و روناک پرناک (۱۳۹۳)، "مطالعه اثر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک"، *سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۵۶-۱۱۷.

مطلبی، معصومه؛ علیزاده، محمد و سجاد فرجی دیزجی (۱۳۹۷)، "برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با در نظر گرفتن عوامل رفتاری"، *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۱۶۷-۱۴۱.

معتمدی، منیژه (۱۳۸۸)، "صندوق توسعه ملی و ضرورت تجدید ساختار نهادهای مدیریتی (نگاهی بر اصول سانتیاگو)"، *تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۲۵، صص ۱۳۵-۱۲۹.

معینی فرد، مژگان و محسن مهرآرا (۱۳۹۴)، "تأثیر وفور منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی کشورهای در حال توسعه"، *سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی*، دوره ۳، شماره ۴، صص ۳۲-۹.

مهرآرا، محسن؛ دهقان منشادی، محمد و پروین پوررحیم (۱۳۸۹)، "بررسی نقش‌صندوق‌های نفتی در کنترل بی‌ثباتی اقتصاد کلان کشورهای نفت خیز"، *مجله راهبرد*، دوره ۲۰، شماره ۵۷، صص۱۰۷-۸۵.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]

نمازی، علی؛ دهقان منشادی، محمد و محسن کدخداپور (۱۳۹۶)، *نقش مولدسازی دارایی‌های دولت در کاهش وابستگی به نفت و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی*، اولین همایش ملی مولد سازی و مدیریت دارایی‌های دولت.

Commander S. (2012). "A Guide to the Political Economy of Reforming Energy Subsidies", *IZA Policy Paper*, No. 52.

Domberger S. and P. Fernandez (1999). "Public-private Partnerships for Service Delivery", *Business Strategy Review*, Vol. 10, No. 4, pp. 29-39.

Fourie F. and P. Burger (2001). "Fiscal Implications of Public-private Partnerships (PPPs)", *South African Journal of Economics*, Vol. 69, No. 1, pp. 67-147.

Grubišić M., Nušinović M. and G. Roje (2009). "Towards Efficient Public Sector Asset Management", *Financial Theory and Practice*, Vol. 33, No. 3, pp. 62-329.

Isham J., Pritchett L. and M. Woolcock (2001). "The Varieties Ofthe Rentier Experience: How Natural Resource Endowments and Social institutions Affect economic Growth", *The World Bank*, Washington, DC.

Isham J., Pritchett L., Woolcock M. and G. Busby (2005). "The Varieties of Resource Experience: Natural Resource Export Structures and the Political Economy of Economic Growth", *World Bank Economic Review*, Vol 19, pp. 74-141.

International Monetary Fund (2013). "Another look at Governments' Balance Sheets: The Role of Nonfinancial Assets", Washington DC. http://amvaledolati.mefa.ir

Mehlum H., Moene K. and R. Torvik (2006). "Institutions and the Resource Curse", *Economic Journal*, Vol. 116, No. 508, pp. 1-20.

Mehlum H., Moene K. and R. Torvik (2006). "Cursed by Resources or Institutions?", *The World Economy*, Vol. 29, No. 8, pp. 1117–1131.

Ross M.L. (2001), "Does Oil Hinder Democracy?", *World Politics*, Vol. 53, No. 3, pp.325-361.

Sala-i-Martin X. and A. Subramanian (2003). "Addressing the Natural Resource Curse: An Illustration from Nigeria", *NBER Working Paper*, No. 9804.

World Bank (2016). "Making Politics Work for Development: Harnessing Transparency and Citizen Engagement (Policy Research Reports)".

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.227]